

دیر راهبان

[نمایشنامه]

بازخانی رمان دیر راهبان
نویسده رایا دوکاسترو

محمد چرمشیر
فرهاد مهندس پور

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۷

دیر راهبان

بازخوانی رمان دیر راهبان

نوشته‌ی محمد چرم‌شیر، فرهاد مهندس‌پور

فرهنگ‌نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره‌ی سیزده
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان ۱۱۰۰

ویراستار دبیر مجموعه رضا کوچک‌زاده

صفحه‌آرا مرتضی فکوری

سراج یونانم جلد حکمت مرادی

چاپ و صفحه‌آرایی سپیدار

ناشر چاپ بهمن سراج

فهرست کتاب‌خانه‌ی ملی

سرشناسه چرم‌شیر، محمد، ۱۳۳۹ -

مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری ۶۵ د

فروست مجموعه‌ی «ستاره‌ی خیال»؛ ۲. گزیده‌ی غم‌ایش‌نامه‌های

دهه‌ی ۷۰ / شماره‌ی ۱؛ مجموعه رضا کوچک‌زاده.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۷-۶۹-۳

وضعیت فهرست‌نویسی فیپا

موضوع نمایش‌نامه‌ی فارسی -- قرن ۱۴

شناسه‌ی افزوده مهندس‌پور، فرهاد، ۱۳۳۸ -

کوچک‌زاده، رضا، ۱۳۵۵ -، ویراستار

کاسترو، فرایرا دو، ۱۸۹۸ - ۱۹۷۴م.

رده‌بندی کنگره PIR ۸۰۱۲/۸۵۹ ۱۳۹۶

رده‌بندی دیویی ۸۱۲/۶۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۴۶۷۵۸۴۰

مرکز بخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

www.nashrenow.com فروشگاه اینترنتی

بها ۸۰۰۰ تومان

پیش‌گفتار

داستانی یک خطی، ساده و بدون افت‌وخیز؛ موقعیتی که در همان نگاه نخست پندار هم بغرنج و پیچیده نیست. و شخصیت‌هایی که به شدت ایست هستند. شخصیت‌هایی که نه داستان را چنان که باید و شاید به پیش می‌برند، نه در موقعیت، تحولی پدید می‌آورند و نه تعریف ویژه‌ای از خود به دست می‌دهند. این‌ها همه‌ی مصالحی‌ست که در رمان کوتاه در راهبان نوشته‌ی فرایرا دوکاسترو دیده می‌شوند. ولی این رمان کوچک که بسایش، خود را محروم کرده از همه‌ی آنچه می‌تواند شالوده‌ی یک اثر داستانی را بسازد، چرا همچنان خواندنی و اثرگذار است؟

دوکاسترو در همان آغاز و در یک خط، داستان‌ش را تعریف می‌کند؛ و با این کار، تعلیق را از گرفتار شدن در هزارتوی شخصیت‌ها، روایت داستان، به شیوه‌ی کنش شخصیت‌ها منتقل می‌کند. این بی‌درنگ با حذف داده‌های مربوط به پیشینه‌ی شخصیت‌ها، محدوده‌ی کنش‌ها را از یک فاصله‌ی بعید به زمان رویداد می‌کشد.

گویی کنش شخصیت‌ها، نه تنها در هنجارهای روانی و اجتماعی و... آن‌ها ریشه ندارد که به نسبت اثرگذاری رویداد بر روند زندگی کنونی آن‌ها بستگی دارد. در واقع دوکاسترو با پدیداری موقعیتی بسیار ساده و مشخص، شخصیت‌ها را به انجام کاری وادار می‌کند که از موقعیت پدید آمده، ریشه گرفته است. و نسبت حضور، شرکت و یا انفعال آنان در موقعیت است که به تعریف‌شان از خود می‌انجامد.

بدین‌گونه است که شخصیت‌های مینیاتوری دوکاسترو از نتایج کار خویش شناخته می‌شوند؛ نه از پیشینه‌ای که اینک ناگفته باقی مانده است. نویسنده بر دگرگون نشدن موقعیت تا به آخر، اصرار می‌کند و از این راه، نسبت شخصیت‌ها را با موقعیت ثابت، مسلم بنا می‌کند. او با گسترش زمانی که موقعیت در آن شالوده گرفته است - پیش از اشغال فرانسه تا ورود ارتش رایش به خاک فرانسه - امکان پدیداری محدوده‌ای گسترده را برای کنش شخصیت‌ها در رفعت ایجادشده فراهم می‌آورد. و با همین اسباب، موقعیتی ثابت را - که در آغاز چنان بغرنج و پیچیده به نظر نمی‌آید - ژرفا می‌بخشد. اما این ژرفا، سلباً نتیجه‌ی دگرگونی در موقعیت نیست بلکه به رفتار و محدودی کنش شخصیت‌ها بستگی دارد.

به نظر می‌آید توجه به «وجدان معذب و مسالمت‌جوی یک راهب» که در مقدمه‌ی کتاب بر آن تأکید شده، تعریفی است که نه چندان کامل از کاری باشد که رمان می‌خواهد انجامش دهد. بی‌تردید اثرگذاری این رمان کوچک را باید در تمهیدات تکنیکی به

کار گرفته شده از سوی نویسنده دانست. او با ظرافت، تکنیک را چنان پنهان داشته که حتی با حذف شالوده‌های آشنای اثر داستانی، همچنان قصه‌ای اثرگذار را برای ما تعریف می‌کند.

رکاسترو گرچه اثرش را بر ساخت شکلیِ رمان پدید آورده، با بهره‌گیری ساختارشکنانه‌ی تکنیک، امکانی وسیع را برای فرآیند تبدیل شکل داستانی به شکل نمایشی فراهم آورده است. احیای روابط اثر داستانی به شکل گفت‌وگو به معنای دگرگونی آن به اثری نمایشی نیست. برای انجام این تبدیل، نیاز به تبدیل همه‌ی روابط درون‌متنی به شش ساماری، نوین، گریزناپذیر است. و این انجام نمی‌شود، مگر از راه روشن ساختن ظرفیت‌های شکلی داستان و نمایش؛ و یافتن نقطه‌هایی که این تبدیل را آن‌ها امکان دارد.

دوکاسترو در اثرش داستان‌سرایی نمی‌کند تا این امکان پدید آید که شخصیت در راه رشد و گسترش داستان فرصت پیدایی، معرفی، بروز و ثبات خویش را بیابد. با محدود کردن داستان و پرهیز از تعریف شخصیت - پیش از بروز رویداد - در عنصر اساسی داستان و شخصیت در فرآیند تبدیل نمایشی، نویسنده می‌تواند و تنها بار دیگر در محدوده‌ی موقعیت پدیدآمده، امکان تعریف می‌یابد. به نظر می‌رسد، این همان مرکز ثقل لازم برای تبدیل رمان به نمایش‌نامه‌ی دیر راهبان است؛ مرکزی که روابط درون‌متنی رمان، شایستگی تبدیل به روابط درون‌متنی اثر نمایشی را می‌یابد.

داستان خطی دیر راهبان سبب پایداری موقعیت می‌شود و موضع‌گیری شخصیت‌ها نسبت به این موقعیت، آن‌ها را تعریف‌پذیر می‌سازد. در واقع تبدیل نمایی به تبیین دوری و نزدیکی شخصیت‌ها به موقعیت، تأثیر و تأثر موقعیت در کارکرد شخصیت‌ها و مجموعه‌ی رفتارهای آنان پس از رویارویی با موقعیت برای انتخاب هم‌نشینی، گریز و یا تغییر در موقعیت می‌پردازد.

از این روست که بر این نمایش‌نامه، عنوان «بازخوانی» نهاده شده است. نه «بازنویسی»، «بازآفرینی» و یا «برداشت». هرچند که دقایق از نمایش‌نامه، تفاوتی بنیادین با اصل اثر دارد. خوانش دوباره‌ی متن، موکاسترو به سخنی، تغییر در نسبت شخصیت‌ها با موقعیت نسبت به چیش شخصیت‌ها و موقعیت در همان داستان یک خطی، حفظ شده است. این چیش که می‌تواند بارها و بارها به وسیله‌ی کسان دیگر نیز انجام گیرد، امکانی برای بازخوانان پدید آورده است تا در درجه‌ی نخست به ساختی نمایی نزدیک شوند و در درجه‌ی بعدی با نظم‌دهی صبوری در هم ریخته، به روایت ویژه‌ی خویش دست یابند. در واقع این «خوانش» به تغییری تحمیل شده از بیرون به اثر، که از تغییر نسبت‌های درون اثر پدید آمده است. نسبتی که با دگرگونی‌اش، «خوانش»هایی دگرگون از آن نیز شدنی است.